

گزیدہ شعر سبک ہندی (۶)

تختِ بحرید

گزیدہ اشعار حکیم شفائے اصفہانی

بہ کوشش: جواد محمدزمانی

سرشناسه: ملا اصفهانی، شرف الدین حسن ابن حکیم، ۱۰۵۴ - ۱۱۲۳ ق.
 عنوان و نام پدیدآور: تخته تحریر/گزیده اشعار شفانی اصفهانی؛
 به کوشش جواد محمدزمانی.
 مشخصات نشر: تهران: پیام عدالت-۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۴ ص.
 فروست: گزیده شعر سبک هندی؛ ۲.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۲-۳۶۲-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۲ ق.
 شناسه افزوده: محمدزمانی، جواد، ۱۳۵۶ - گردآورنده
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ / ۱۶ PIR۶۴۰
 رده بندی دیوبی: ۸۴۱/۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۵۳۱۶۲



تخته تحریر

گزیده اشعار حکیم شفانی اصفهانی

سروده: شرف الدین حسن ابن حکیم ملا اصفهانی

گردآوری و تنظیم: جواد محمدزمانی

ناشر: انتشارات پیام عدالت

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مفید صحافی: راد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۲-۳۶۲-۸

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان منیریه، جنب صندوق الزهراء، پلاک ۱۴۵

تلفن: ۶۶۴۱۰۸۴۹ - ۶۶۹۶۳۵۶۶ دورنگار: ۶۶۹۶۳۵۶۷

www.payamedalat.com

فهرست مطالب

مقدمه / ۱۷

تولد و زندگانی / ۱۷

- ۱ / تا عشق رفته روز ازل بر زبان ما / ۳۵
- ۲ / گفتند که داری گله‌ای از گله ما / ۳۷
- ۳ / در دل گل می‌خلد خار سر دیوار ما / ۳۹
- ۴ / بد مگو ای آنکه عاشق نیستی خوب مرا / ۴۱
- ۵ / به گلبانگ محبت تازه دارم بوستانش را / ۴۳
- ۶ / محرم مساز قاصد ناآزموده را / ۴۵
- ۷ / ای به غم تو نامزد هر دو جان، خدای را / ۴۷
- ۸ / باده گر خون نبود آفت جامست اینجا / ۴۹
- ۹ / هرچند که در زلف تو بارست دل ما / ۵۱
- ۱۰ / ای در دلم ز گرمی خوی تو داغها / ۵۳
- ۱۱ / صبح دمید ساقیا! جلوه ده آن دو ساله را / ۵۴

- ۱۲ / من و کویی که باشد جانب ایمن رهی آنجا / ۵۶
- ۱۳ / می‌نهم بند به پا این دل سودایی را / ۵۸
- ۱۴ / ای گریبان دل از چشمت به دست نازها / ۵۹
- ۱۵ / توبه سوگند خورد بر سر پیمانه ما / ۶۱
- ۱۶ / لایق نباشد برگ گل دامن و جیب چاک را / ۶۳
- ۱۷ / کوی عشقت که خورشید بود خاک آنجا / ۶۵
- ۱۸ / پروانه بود دست نشان مگس ما / ۶۷
- ۱۹ / صبحی که سردهم به فلک دود آه را / ۶۹
- ۲۰ / هرگز زبان به شکوه نیالوده‌ایم ما / ۷۱
- ۲۱ / نوشته‌اند به خون جگر رساله ما / ۷۳
- ۲۲ / می‌برد آه به گردون علم دولت ما / ۷۵
- ۲۳ / به فریب عشق هر دم هوسی فزود ما را / ۷۷
- ۲۴ / ندارد لذتی بی‌سوز عشق آب و گل دلها / ۷۹
- ۲۵ / خانه زاد اضطرابم جان درد آلوده را / ۸۱
- ۲۶ / چو جا دهند به خلد این دل پریشان را / ۸۳
- ۲۷ / کاری نساخت در دل شبها دعای ما / ۸۵
- ۲۸ / ای سرمه کش ضمیر تو چشم حکیم را / ۸۷
- ۲۹ / با ما نشست عشق و درآمد به خوی ما / ۸۹
- ۳۰ / باشد به حریم همه کس بار صبا را / ۹۱
- ۳۱ / هرگز ننشیند کسی از ننگ بر ما / ۹۳
- ۳۲ / ای زده برتر از گمان خیمه کبریای را / ۹۵
- ۳۳ / گرفته شهره عشق تو بر زبان ما را / ۹۷
- ۳۴ / جهان جهان غم و این جان ناتوان تنها / ۹۹
- ۳۵ / پهلوی از بستر جدا ماند سر از بالین مرا / ۱۰۱

- ۳۶ / چهره میوش از نظر دیده پاکباز را / ۱۰۳
- ۳۷ / منم و دلی که هر دم به کسی سپارم او را / ۱۰۵
- ۳۸ / ای تبسم چاشنی گیر از نمکدان شما / ۱۰۶
- ۳۹ / برون آور یکی از پرده آن رخسار زیبا را / ۱۰۸
- ۴۰ / آخر زدند سکه دولت به نام ما / ۱۱۰
- ۴۱ / مشت گلی که گریه من در کنار ریخت / ۱۱۲
- ۴۲ / چه کرده‌ام که دگر گونه حیا غضبیست / ۱۱۴
- ۴۳ / سینه را از قطره‌های خون دل بسمل یکیست / ۱۱۶
- ۴۴ / دیگر از داغ جنونم سر سودا گرمست / ۱۱۸
- ۴۵ / امشب چو خون شعله میی در آياغ ماست / ۱۲۰
- ۴۶ / گفتم به حرم محرم این خانه کدامست / ۱۲۲
- ۴۷ / در ناله من اثر نماندست / ۱۲۴
- ۴۸ / آزمودم خاطر آسودگی هم شاد نیست / ۱۲۶
- ۴۹ / مائیم زیان دیده سوادى محبت / ۱۲۸
- ۵۰ / به من ز لذت پیغام او جهان تنگست / ۱۳۰
- ۵۱ / بلبل ناله از آنم زنوا افتادست / ۱۳۲
- ۵۲ / در بوته غم، عشق چو آب و گل ما ریخت / ۱۳۴
- ۵۳ / به یمن عشق دلم ناله حزین دانست / ۱۳۵
- ۵۴ / غمزه کار دلم از چشم سخنگو می ساخت / ۱۳۷
- ۵۵ / آنکه صحبت ازو با جگر چاک یکیست / ۱۳۹
- ۵۶ / یک حرف سپردم به دل بی‌ته و وا گفت / ۱۴۱
- ۵۷ / بی‌بهره از حیات ابد بسمل تو نیست / ۱۴۳
- ۵۸ / عشقت که درین سینه بی‌کینه مقیمست / ۱۴۴
- ۵۹ / منم که داغ دلم رنگ لاله زار گرفت / ۱۴۶

- ۶۰ / روزی که به ما گوشه چشمت نظری داشت / ۱۴۸
- ۶۱ / شب ناله‌ام به سینه اختر سنان شکست / ۱۵۰
- ۶۲ / به خود قرار ستم می‌دهی چنین پیداست / ۱۵۲
- ۶۳ / به غمزه آنکه زند راه عقل و دین اینست / ۱۵۴
- ۶۴ / ای دو عالم ز تو لبریزا سرای تو کجاست / ۱۵۶
- ۶۵ / رستخیز از روش آن قدوقامت برخاست / ۱۵۸
- ۶۶ / من و شکنج خم طره‌اش که جا اینجاست / ۱۶۰
- ۶۷ / گر لطف دوست جانب دشمن نمی‌گرفت / ۱۶۲
- ۶۸ / صبحم به ناله، شام به آه حزین گذشت / ۱۶۴
- ۶۹ / محرم خلوت روح القدس اندیشه‌ماست / ۱۶۶
- ۷۰ / عاشق ز قید هستی سود و زیان گذشت / ۱۶۷
- ۷۱ / در کیش عشق سبحه و زنار باهمست / ۱۶۹
- ۷۲ / گیاه سوخته‌ام فکر برگ و بارم نیست / ۱۷۱
- ۷۳ / گل بینخار داغ سینه‌ماست / ۱۷۳
- ۷۴ / مرا که صیت جهان گشته قاف تا قافست / ۱۷۵
- ۷۵ / منم که پایه عرش سخن به دوش منست / ۱۷۷
- ۷۶ / به تیره روزی بختم نهاد ماتم سوخت / ۱۷۹
- ۷۷ / از متاع دهر عاشق جز گل و مل برنداشت / ۱۸۱
- ۷۸ / طبعم چو مهر با تن تنها جهان گرفت / ۱۸۳
- ۷۹ / شب نیست که داغ تو گل بستر ما نیست / ۱۸۵
- ۸۰ / زان شعله نسوزم که مرا باز توان سوخت / ۱۸۷
- ۸۱ / گله بی‌جگرم زهره اظهار کجاست / ۱۸۹
- ۸۲ / نمود بی‌وجودست این دهان نیست / ۱۹۱
- ۸۳ / امشب که فراقش به برم تنگ گرفتست / ۱۹۳

- ۸۴ / جلوه‌ای زان شعله قامت گاهگاهم آرزوست / ۱۹۵
- ۸۵ / پیش ما بود و نبود دو جهان یکسانست / ۱۹۷
- ۸۶ / با دوستان به حرفم و دل جای دیگرست / ۱۹۹
- ۸۷ / علم اگر اینست نادانی ز آگاهی بهست / ۲۰۱
- ۸۸ / جهان لبالب جهلست و از هنر خالیست / ۲۰۳
- ۸۹ / عاشق که ز بیداد تو خون در جگر اوست / ۲۰۵
- ۹۰ / هرگز دل ما شیوه تزویر ندانست / ۲۰۷
- ۹۱ / آنکه سر تا قدمش موجه زن از منصورست / ۲۰۹
- ۹۲ / فصل خزان همان رونق گلزار هست / ۲۱۱
- ۹۳ / پروای انتقام نکردن نزع ماست / ۲۱۳
- ۹۴ / ذوق حرام در قلم آسمان نماند / ۲۱۵
- ۹۵ / قانون طرب یک نفسم ساز نباشد / ۲۱۷
- ۹۶ / از چاک دلم دیده به داغ کهن افتاد / ۲۱۹
- ۹۷ / من آن آهم که برق شهپر روح الامین باشد / ۲۲۱
- ۹۸ / شهان سلطانی جم می‌گذارند / ۲۲۳
- ۹۹ / حدیث شکوه از عذر تغافل بر زبان گم شد / ۲۲۵
- ۱۰۰ / هرگز جدا ز چشم ترم آستین مباد / ۲۲۷
- ۱۰۱ / آهی که اسیرت ز دل تنگ برآورد / ۲۲۹
- ۱۰۲ / چو درد دل نویسم شعله در جان قلم گیرد / ۲۳۱
- ۱۰۳ / داغست که ز سر چون گل بیخار بجوشد / ۲۳۳
- ۱۰۴ / صبحدم واقف اسرار نهانم کردند / ۲۳۵
- ۱۰۵ / کو جنون تا ز سر اندیشه سامان ببرد / ۲۳۷
- ۱۰۶ / کسی که باده ز خوناب غم تواند کرد / ۲۳۹
- ۱۰۷ / هرکه لب تو دست به سحر سخن کند / ۲۴۱

- ۱۰۸ / از همان شعله که در جان من فروخته‌اند / ۲۴۳
- ۱۰۹ / امشب گذر ناله به کوی اثر افتاد / ۲۴۵
- ۱۱۰ / مستان که بی‌خودی ابد آرزو کنند / ۲۴۷
- ۱۱۱ / انجام طلب از در آغاز درآید / ۲۴۹
- ۱۱۲ / بدمست می‌عریده دارم گله‌ای چند / ۲۵۱
- ۱۱۳ / کیم که دست مرا دولت حضور دهد / ۲۵۳
- ۱۱۴ / به کوی او هوس بیش از محبت آبرو دارد / ۲۵۵
- ۱۱۵ / آن گلبنم که ریشه به آتش فرو کند / ۲۵۷
- ۱۱۶ / چه خوشست بزم وصلی که کسی درو نباشد / ۲۵۹
- ۱۱۷ / رقصد قلم از شوق چو نام تو نویسند / ۲۶۰
- ۱۱۸ / در کوی خرابات که مستور نگنجد / ۲۶۲
- ۱۱۹ / از شور لب شعله به جان نمک افتاد / ۲۶۴
- ۱۲۰ / سر دهد گاهم به صحرا گاه زنجیرم کند / ۲۶۶
- ۱۲۱ / از کشور او لیلی شیرین سخن آرند / ۲۶۷
- ۱۲۲ / در آن ریاض که هر برگ گلشنی باشد / ۲۶۹
- ۱۲۳ / یاد تو در اندیشه اندیشه نگنجد / ۲۷۱
- ۱۲۴ / نونهالان حیا تن به صبا در ندهند / ۲۷۲
- ۱۲۵ / امام شهر به روی تو دوش جام کشید / ۲۷۴
- ۱۲۶ / از آن شهرم که از بوم و برش ادراک می‌روید / ۲۷۶
- ۱۲۷ / کج نوایان از صفیر من فغان برداشتند / ۲۷۸
- ۱۲۸ / به یک نگاه ز جانم هزار آه برآید / ۲۸۰
- ۱۲۹ / شهان که زیر نگین کشور جهان دارند / ۲۸۱
- ۱۳۰ / گر سایه او بر سر ایام نباشد / ۲۸۳
- ۱۳۱ / سیل اشک از مژه غلتید و به دامن افتاد / ۲۸۵

- ۱۳۲ / تویی که نام توأم بر زبان نمی گنجد / ۲۸۷
- ۱۳۳ / بیا که شاهد بستان جوان نمی ماند / ۲۸۹
- ۱۳۴ / گهی که از سر این خاکسار می گذرد / ۲۹۱
- ۱۳۵ / نگاهی کو که از عشقم ترا آگاه گرداند / ۲۹۳
- ۱۳۶ / از سنگ عشق ساغر صبرم شکسته ماند / ۲۹۵
- ۱۳۷ / از خلق نه اثر ز غمت نه نشانه ماند / ۲۹۷
- ۱۳۸ / جز شعله مرا از دل بیتاب نخیزد / ۲۹۹
- ۱۳۹ / بازم ز وصل زمزمه سور شد بلند / ۳۰۱
- ۱۴۰ / صبحدم از غم ایام نجاتم دادند / ۳۰۳
- ۱۴۱ / مکن کاری که از دل آتش آهم علم گیرد / ۳۰۵
- ۱۴۲ / من که کار دو جهانم به توکل گذرد / ۳۰۷
- ۱۴۳ / برق آهم ز فسون انرم ساخته اند / ۳۰۹
- ۱۴۴ / خوبان به غیر دوستی از ما چه دیده اند / ۳۱۱
- ۱۴۵ / آشوب تو چون در سر سودای من افتاد / ۳۱۳
- ۱۴۶ / از سینه برون کن دل و دلدار نگهدار / ۳۱۴
- ۱۴۷ / ای عشق! مشفقانه مرا در پناه دار / ۳۱۶
- ۱۴۸ / ساقی بیا به روی صبوحی شراب گیر / ۳۱۸
- ۱۴۹ / زین خسته چه دیدی که تکلم نکنی باز / ۳۲۰
- ۱۵۰ / بگیر ساغر و آتش به نخل طور انداز / ۳۲۲
- ۱۵۱ / مکن به خنجر بیداد بسمل همه کس / ۳۲۴
- ۱۵۲ / داشتم در جگر سوخته تابی که مپرس / ۳۲۶
- ۱۵۳ / در جگرسوزی ما اینهمه بی باک مباش / ۳۲۸
- ۱۵۴ / صبوحیی زده ام از می شبانه خویش / ۳۳۰
- ۱۵۵ / من خار گلبن غم، رخسار یار آتش / ۳۳۲

- ۱۵۶ / نوبهاری که منم بلبل مست چمنش / ۳۳۴
- ۱۵۷ / دو روزی کاشکی بخت بلندم سازد استادش / ۳۳۶
- ۱۵۸ / در آبه میکده و بوسه زن به صدق زمینش / ۳۳۸
- ۱۵۹ / چون بزم غصه ساز کنم در حریم خویش / ۳۴۰
- ۱۶۰ / از زخم او چو با دل پر خون روم به خاک / ۳۴۲
- ۱۶۱ / هرگه از سوز دل سوخته خامش کردم / ۳۴۳
- ۱۶۲ / در کوی تو چون لاله به خون خفتم و رفتم / ۳۴۵
- ۱۶۳ / با خرد شب همه شب نرد سخن باخته‌ام / ۳۴۷
- ۱۶۴ / آن رفت که با کاغذ و دفتر بنویسیم / ۳۴۹
- ۱۶۵ / وقت یارب یارب مدعا گم می‌کنم / ۳۵۱
- ۱۶۶ / شبی که در ره خورشید شمع آه نهم / ۳۵۳
- ۱۶۷ / پردلی بین که تجلی به حسن انداخته‌ایم / ۳۵۵
- ۱۶۸ / ما گرد فلک جنبش خورشید سواریم / ۳۵۷
- ۱۶۹ / شعله آهم و از کوی اثر می‌آیم / ۳۵۹
- ۱۷۰ / ما خار دلشکسته گلزار عالمیم / ۳۶۱
- ۱۷۱ / در کوچه خورشید بود وقف چراغم / ۳۶۳
- ۱۷۲ / ما رگ جان را نوبد نیشتر آورده‌ایم / ۳۶۵
- ۱۷۳ / ما که چون خورشید دایم پیش پا افتاده‌ایم / ۳۶۷
- ۱۷۴ / مستانه سر زلف دلارام گرفتیم / ۳۶۹
- ۱۷۵ / کام هوس ز جوی کسی تر نمی‌کنیم / ۳۷۱
- ۱۷۶ / چنان از عشق عصمت سوز از او بدنام دورانم / ۳۷۳
- ۱۷۷ / ریزد نمک ز شور حدیث نبات هم / ۳۷۴
- ۱۷۸ / خروشان بر سر راهش به بوی پیرهن رفتم / ۳۷۶
- ۱۷۹ / محبت آمد و زد حلقه بر در جانم / ۳۷۸

- ۱۸۰ / با حضرت وجود چو چشم آشنا شدم / ۳۸۱
- ۱۸۱ / هر گه از خاکستر دل طرح ماتم ریختیم / ۳۸۳
- ۱۸۲ / ناله‌ای از دل به زور آه بالا می‌کشم / ۳۸۵
- ۱۸۳ / کفر زلفی کو؟ که آیین خداخوانی نهم / ۳۸۷
- ۱۸۴ / یکی شب از کمین خرمن افلاک برخیزم / ۳۸۹
- ۱۸۵ / خراب نرگس مخمور کم نگاه توأم / ۳۹۱
- ۱۸۶ / هر چند همچو داغ کهن ناتوان شدم / ۳۹۳
- ۱۸۷ / به ذوق اینکه مقبول نگاه آشنا افتم / ۳۹۵
- ۱۸۸ / گامی اگر به راه هوا و هوس نهم / ۳۹۷
- ۱۸۹ / سخت ازین خواهش پشیمان گشته‌ام بزارهم / ۳۹۹
- ۱۹۰ / ز رشک دشمن از مجلس برون رفتم نکو کردم / ۴۰۱
- ۱۹۱ / ماییم و دلی موجه خور سینه جوشان / ۴۰۲
- ۱۹۲ / روش است دلبران را به کرشمه ساز کردن / ۴۰۴
- ۱۹۳ / دوزخ ز دلم جوش زند یا نفس است این / ۴۰۶
- ۱۹۴ / خوش بهاریست دل از داغ گلستان دیدن / ۴۰۸
- ۱۹۵ / دیردیر از خانه آن عاشق نواز آید برون / ۴۱۰
- ۱۹۶ / گوشه ابرو نی زود از غضب پرچین مشو / ۴۱۲
- ۱۹۷ / ای داغ غمت بر فلک عشق ستاره / ۴۱۴
- ۱۹۸ / دل می‌دهم از دست خدایا! جگرم ده / ۴۱۶
- ۱۹۹ / گر دلت گرمست بر خاک درش پهلو منه / ۴۱۸
- ۲۰۰ / ای روی تو از مشرق خورشید دمیده / ۴۲۰
- ۲۰۱ / ای روی تو از مشرق خورشید دمیده / ۴۲۲
- ۲۰۲ / ای سرو روان تشنگی از جوی که داری / ۴۲۴
- ۲۰۳ / هر دم نمی‌توان به کف آورد محرمی / ۴۲۶

۲۰۴ / ای خوش آن بلبل که تو باغ و بهار او شوی / ۴۲۸

۲۰۵ / جنون دهد به دماغم نوید سودایی / ۴۲۹

۲۰۶ / مستی بگو که سرخوش صهبای کیستی / ۴۳۱

۲۰۷ / بهار شد که بگیریم گوشه چمنی / ۴۳۳

www.ketab.ir